



سال دهم / تابستان ۱۴۰۰

ارتباطات، فرهنگ و توسعه؛ مروری بر آراء توسعه‌ای دکتر علی اسدی

• هادی خانیکی^۱

• سید مهدی حسینی^۲

DOR: 20.1001.1.38552322.1400.10.39.3.4

چکیده

علی اسدی از متفکرین و صاحب‌نظران علوم اجتماعی و ارتباطات است که ایران پیش و پس از انقلاب اسلامی را تجربه و مطالعه کرده است. در آثار به جا مانده از پنجاه و شش سال زندگی او می‌توان منظومه فکری قابل توجهی را درباره توسعه ایران استخراج کرد. در این مقاله با مروری بر آراء توسعه‌ای اسدی، این نظرات در قالب مفاهیم توسعه، دوران گذار، تکنولوژی، ارتباطات، فرهنگ و عقب‌ماندگی دسته‌بندی شده است. اسدی الگوی توسعه همه‌جانبه و با محوریت تکنولوژی را برای ایران مطلوب می‌داند. او علیرغم درک مسائل و آسیب‌های همراه توسعه برای کشورهای جهان سوم، معتقد است با قوه اجرایی قدرتمند باید مراحل توسعه اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و تکنولوژیک بر اساس یک برنامه جامع استراتژیک محقق شود. نگرش او به توسعه تا حدی به رویکردهای خطی توسعه نزدیک است و توسعه را با معیارهای جهانی و بهره از تکنولوژی می‌سنجد و معتقد است هر کشور بنا بر شرایط بوم‌شناختی و سنتی خود باید از مسیر خاص خود به توسعه دست‌یابد.

واژگانی کلیدی: علی اسدی، توسعه، تکنولوژی، ارتباطات، فرهنگ.

۱ استاد گروه علوم ارتباطات، دانشکده علوم ارتباطات علامه طباطبائی، تهران، hadi.khaniki@gmail.com

۲ دانشجوی دکتری، گروه علوم ارتباطات، دانشکده علوم ارتباطات دانشگاه علامه طباطبائی، تهران،

Mehdi88992003@gmail.com

مقدمه

متفکرین حوزه توسعه در ۱۰۰ سال اخیر ایران، غالباً افرادی صاحب‌نام، نخبه و شناخته شده‌اند که در زمانه خود، با توجه به شناختی که از مسائل جامعه ایران در آن برهه زمانی داشته‌اند تلاش کرده‌اند بنا بر مبانی تفکری خود، راهی برای بهبود شرایط اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی فراهم کنند. دکتر علی اسدی نیز از این دست نخبگان دغدغه‌مند است و برای توسعه و سر بلند جامعه ایران در زمینه تخصصی خود، نظرات قابل توجهی را ارائه کرده است. او که در زمینه‌های ارتباطات، جامعه‌شناسی، افکار عمومی، توسعه فرهنگی، تکنولوژی و هنرهای نمایشی صاحب‌نظر است، آراء توسعه‌ای خود را در کتب، مقالات، سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های مطبوعاتی فراوانی بیان داشته است. در این مقاله پس از بیان مختصری از سوابق علمی علی اسدی با مرور مضامین توسعه‌ای در برخی از آثارش، نظرات او بررسی و طبقه‌بندی شده است.

علی اسدی در سال ۱۳۱۴ چشم به جهان گشود و در پنجاه‌وشش سالگی در سال ۱۳۷۰ از دنیا رفت. او تحقیقات مختلفی را در زمینه‌های جامعه‌شناسی و وسایل ارتباط جمعی انجام داد. در سال ۱۹۶۸ از تز دکتری خود با عنوان «سینما در ایران» در دانشگاه پاریس دفاع کرد. کتاب «نقش رسانه‌ها در پشتیبانی توسعه فرهنگی» از جمله تألیفات او است. همچنین دو پژوهش میدانی بزرگ با عنوان‌های «گرایش‌های فرهنگی و نگرش‌های اجتماعی در ایران، گزارشی از یک نظرخواهی ملی در سال ۲۵۳۳» و «گرایش‌های فرهنگی و نگرش‌های اجتماعی در ایران، گزارشی از یک نظرخواهی در تهران در خردادماه ۱۳۵۸» را نیز در پژوهشکده علوم ارتباطی و توسعه ایران سامان داد. از جمله فعالیت‌های او باید به تأسیس و مدیریت «مرکز تحقیقات اجتماعی و سنجش افکار در سازمان رادیو و تلویزیون ایران» از سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۴، تأسیس و مدیریت «مدیریت پژوهشکده علوم ارتباطی و توسعه ایران» از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۱ و اجرای طرح‌هایی چون آینده‌نگری درباره مسائل ایران اشاره کرد (سایت شارا، ۱۳۹۶).

یافته‌های تحقیق

در این پژوهش افکار و رویکردهای توسعه‌ای علی اسدی مرور و دسته‌بندی شده است. در ادامه به تعاریف و مفاهیم، نگرش‌ها و راهبردهای موردتوجه علی اسدی در مسئله توسعه و توسعه ایران پرداخته شده است.

توسعه و دوران گذار

اسدی در جای‌جای آثارش، ابعاد توسعه و آنچه او برای ایران، توسعه می‌داند را تعریف کرده است. او به‌طور عام توسعه را این‌گونه تعریف می‌کند: «مجموعه فعالیت‌هایی برای هدایت جامعه در جهت ایجاد شرایط مطلوب زندگی براساس نظام ارزشی موردپذیرش جامعه» (اسدی، ۱۳۶۹: ۵۲، از: جامعه‌شناسی توسعه). همچنین او توسعه را فراگرد دگرگونی جامعه می‌داند که آن را از وضع نامطلوب به وضع مطلوب می‌رساند. توسعه در اقتصاد باعث بهره‌وری نظام تولید و توزیع و تأمین نیازها می‌شود. اساس توسعه اقتصادی بر افزایش سریع بازدهی است و صنعت بیش از همه زمینه‌های دیگر با کمترین نیروی انسانی بیشترین بازدهی را دارد. مبنای توسعه اقتصادی بر پس‌انداز و سرمایه‌گذاری است (اسدی، ۱۳۴۸: ۲۰ و ۱۳۶۹: ۹، از: مروری بر موانع توسعه در کشورهای درحال توسعه). در حوزه اجتماع توسعه باعث فعال شدن نهادهایی برای غنی کردن زندگی اجتماعی، مشارکت بیشتر اعضای جامعه و احیای حقوق اعضا می‌شود. در فرهنگ افراد باسواد شده و خلاقیت بروز می‌کند و میراث گذشتگان جامعه بارور شده و گسترش می‌یابد و ارتباطات و اطلاعات در جامعه گسترده‌تر می‌شود. در سیاست، نهادهای تازه برای مشارکت مردم در سرنوشت خود شکل می‌گیرند و نظام سیاسی بر این اساس بازسازی می‌شود (اسدی، ۱۳۶۹: ۹، از: مروری بر موانع توسعه در کشورهای درحال توسعه). همچنین او نوسازی را تحولی در نهادهای سیاسی و حقوقی، در نگرش‌ها و رفتارهای فردی و جمعی و پیشرفت تکنولوژی و رونق و شکوفایی اقتصادی می‌داند. نوسازی هم شامل تلاش کشورهای در حال رشد برای تحقق رفاه، استقلال سیاسی و عدالت اجتماعی است که هم مجموعه‌ای از اعتقادات و باروها محسوب می‌شود و هم فراگردی است برای پیشرفت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی که شامل برنامه‌هایی برای صنعتی شدن، توسعه کشاورزی، گسترش آموزش همگانی و تثبیت نظام سیاسی است. از نظر اسدی به دلیل تنوع سنت‌ها، نظام‌های اقتصادی، منابع، نیازها، موقعیت جغرافیایی کشورهای در حال رشد، الگوهای رشد و توسعه هرکدام از کشورها متفاوت است (اسدی، ۱۳۶۹: ۵۲، از: جامعه‌شناسی توسعه).

از منظر اسدی گذار از جامعه سنتی به جامعه مدرن یا صنعتی یکی از آثار توسعه است. آثار توسعه در ابعاد اقتصادی و اجتماعی شامل دگرگونی اقتصاد «بخورونمیر» سنتی به اقتصاد پیچیده با بهره‌وری بالا و در ابعاد اجتماعی، تبدیل بافت سنتی و ایستای اجتماع به بافت پیچیده و درهم تنیده^۱ دارای تحرک، مهاجرت و ایجاد زندگی شهری است (اسدی، ۱۳۶۹:

۵۹، از: جامعه‌شناسی توسعه). همچنین آثار فرهنگی و آموزشی آن برخلاف جامعه سنتی که آموزش شامل انتقال الگوهای تجربه شده نسل‌های قبل به نسل‌های بعدی و جامعه‌پذیری است و توسط نخبگان اتفاق می‌افتد، در جامعه توسعه‌یافته تجارب نسل‌های گذشته برای حل مشکلات کافی نیست و آموزش نظامی کلیدی و جزئی از فراگرد جامعه‌پذیری است که بدون آن توسعه ممکن نیست. ذهنیت جامعه توسعه‌یافته عینی‌گرا، نوگرا، انعطاف‌پذیر، جستجوگر و شکاک است. فرهنگ نیز در جوامع توسعه‌یافته به تدریج بر رسانه‌های همگانی متکی می‌شود و از محدود تنگ نخبگان خارج و در همه سطوح جامعه اشاعه داده می‌شود (اسدی، ۱۳۶۹: ۶۷، از: جامعه‌شناسی توسعه).

او معتقد است این جامعه در حال گذار نیز خود دچار مشکلات و مصائبی است. او به نوعی دوگانگی ناشی از دوران گذار یا به اصطلاح «ترانزیشن» اشاره می‌کند و می‌گوید که در این حالت در واقع دو جامعه متفاوت ایجاد می‌شود. این دوگانگی در همه وجوه دیده می‌شود. در اقتصاد به صورت دووجهی بودن کشاورزی و صنعت دستی و ماشینی، در زمینه سواد تفاوت جامعه باسواد و بی‌سواد و در سطح زندگی، دو سطح شهرنشینی و روستایی دیده می‌شود (اسدی، ۱۳۶۷: ۷). اسدی یکی از جدی‌ترین آسیب‌های جوامع مدرن و برخی جوامع جهان سوم و در حال گذار را از خودبیگانگی می‌داند. او با استفاده از مفهوم «جامعه از برون هدایت شده رایزن، احساسات و افکار عمومی شهروندان این جوامع را ناشی از رسانه‌ها می‌داند. در چنین شرایطی خلاقیت و زایش از بین رفته و انسان‌ها چه در کار و چه در فراغت از خودبیگانه‌اند. در این جامعه از خودبیگانه اوقات فراغت فرصت مصرف بیشتر است نه آفرینندگی و روش تولید و کار نیز به بیگانه شدن انسان از خود و شیء‌وارگی او دامن می‌زند. او اساساً زیست امروزی انسان در شهرهای توسعه‌یافته را که سرشار از «ازدحام، کمبود مسکن، سروصدا، آلودگی، تنهایی، جدایی از محیط‌زیست»، «نبود اخلاق و گسترش خشونت و بزهکاری» است را منشأ از خودبیگانگی می‌داند. او معتقد است شهرها برای صنعت و تجارت ساخته شده‌اند و نه زندگی اجتماعی؛ همچنین تکنولوژی و رسانه‌ها هم با یکنواخت‌سازی شیوه زندگی این مسئله را تشدید می‌کنند. اسدی در نقد این شرایط می‌گوید: «برخی از این تضادها برای کشورهای جهان سوم اجتناب‌ناپذیر است و از عوارض و آسیب‌های آن هم در امان نیستند ولی به نظر من باید تلاش شود که این شکاف‌ها به حداقل برسد» (اسدی، ۱۳۶۷: ۷) و در جایی دیگر اشاره می‌کند برای برون‌رفت از این شرایط رسانه‌ها باید بجای «دست‌آموزی» و

القای فکر، روش‌های مبادله فکر و تجربه و ارتباط دوسویه را جایگزین روند یک‌سویه رسانه‌ای نمایند و به تقویت و حفظ هویت فرهنگی و ایجاد خلاقیت در هویت ملی و تعالی پردازند (اسدی، ۱۳۶۶: ۱۹، از: راهی برای گریز از خودبیگانگی).

اسدی در توسعه ایران پس از جنگ تحمیلی ایران و عراق، بر توسعه همه‌جانبه و در همه ابعاد تأکید می‌کند. نه تنها ساختن ویرانه‌های جنگ بلکه آنچه در آن پیش از جنگ نیز عقب بوده‌ایم یا تأخیر و غفلت کرده‌ایم (اسدی، ۱۳۶۷: ۵). او در تدوین برنامه توسعه همه‌جانبه، تعیین اهداف اساسی، جمع‌آوری اطلاعات، بررسی محدودیت‌ها و موانع غیرقابل کنترل و نفوذ و راه‌های مختلف رسیدن به هدف را از عناصر لازم می‌داند (اسدی، ۱۳۶۷: ۶). اسدی راه رسیدن به توسعه را برنامه‌ریزی استراتژیک در عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، به‌طور هماهنگ می‌داند که در آن علم و تکنولوژی ادغام شده باشد. او هدف برنامه‌ریزی استراتژیک را ارائه دورنمایی از فراگرد توسعه می‌داند که باید وضعیت کشور را در همه زمینه‌ها نشان دهد و در عین حال آن‌قدر منعطف باشد که با دگرگونی‌های تکنولوژی انطباق داشته باشد (اسدی، ۱۳۶۹: ۶-۱۰، از: استراتژی توسعه تکنولوژی، چرا و چگونه؟).

البته او تنگناهای ناشی از توسعه را برای کشورهای درحال توسعه بسیار جدی می‌داند و معتقد است توسعه امری دو سویه است که از یکسو بیانگر آرزوها و رؤیاهای جوامع واپس‌مانده و فقیر و از سوی دیگر منشأ بسیاری از ناکامی‌ها، سرخوردگی‌ها، از خودبیگانگی‌ها، بی‌ثباتی‌ها، وابستگی‌ها، تضادها و دوگانگی‌های اجتماعی و فرهنگی (اسدی، ۱۳۶۹: ۵۱، از: جامعه‌شناسی توسعه). از نظر او تجربه کشورهای جهان سوم نشان می‌دهد توسعه به معنای صرف اقتصادی آن نه تنها موجب رفع مشکلات نیست بلکه فقر، شکاف طبقاتی، شکاف بین شهر و روستا، گسترش دیوان‌سالاری، آلودگی‌های مختلف محیط‌زیستی، بحران‌های سیاسی و اجتماعی و نابسامانی‌های دیگری را نیز ایجاد می‌کند که نتیجه توسعه نامتوازن است (اسدی، ۱۳۶۷: ۵). اسدی شهرنشینی را مثال می‌زند و بیان می‌کند که همین مسئله دارای پیامدهایی هم مثبت و هم منفی است. مواردی چون آزادی، دسترسی به انواع تفریحات، بهداشت و اطلاعات از عوامل مثبت و پایین آمدن بهره‌وری، سطح فرهنگ و آگاهی و اقتصاد در روستاها، ایجاد «کمر بند فقر و بدبختی و زندگی در حلبی‌آبادها» در اطراف شهر از جمله عوامل منفی هستند. کشورهای رو به رشد با مهاجرت سیل‌آسا به شهرها مواجه می‌شوند که به این پدیده «شهرنشینی بی‌قاعده» گویند (اسدی، ۱۳۶۹: ۵۹-۶۰، از: جامعه‌شناسی توسعه). نهایتاً اسدی برای حل این دوگانگی و

شکاف راهکار درست را استفاده از تجربه گذشتگان، برداشت جدیدی از توسعه می‌داند که «با ویژگی‌ها و خصلت‌های ملی و بومی» منطبق باشد (اسدی، ۱۳۶۷: ۵).

توسعه و تکنولوژی

اسدی انسان خردورز و زیست‌جهان امروزی را ناشی از پیشرفت تکنولوژی می‌داند. او معتقد است این جهش به دلیل علم تجربی، تکنولوژی و مدیریت عقلایی شکل گرفته و نهایتاً با تسلط بشر بر طبیعت به واژگونی رابطه انسان و طبیعت رسیده است و انسان از مرحله تکامل زیستی به تکامل عقلی و فکری نائل آمده تا انسان به انسان خردورز تبدیل شود. تکنولوژی ناشی از نیاز انسان است و تحولات آن با تحولات انسان همسو است و این مسیر موجب خلق جهان تازه برای انسان می‌شود که با واژه «تکنوسفر» به آن اشاره می‌شود. البته همانگونه که تکنولوژی رفاه، فرهنگ، آگاهی و قدرت را برای انسان به ارمغان آورده است از سوی دیگر وحشت، اسارت، آلودگی و ویرانی محیط‌زیست و اجتماع را نیز ایجاد کرده. این انسان است که از آن برای حل مشکلات، فقر و جهل بهره می‌گیرد یا بلعکس برای مقاصد باطل (اسدی، ۱۳۶۹: ۷، از: مروری بر موانع توسعه در کشورهای در حال توسعه). اما در آخر اسدی انسان امروز را ناگزیر از پیش رفتن، کاوش کردن، شناختن، محاسبه کردن و ساختن تکنوسفر یا همان جهان تکنولوژیک خود می‌داند، ساختن این جهان به ذهن طراح، نوآور و خلاق و همچنین تفکر استراتژیک نیاز دارد (اسدی، ۱۳۶۹: ۷، از: استراتژی توسعه تکنولوژی، چرا و چگونه؟).

محور اصلی تفکر توسعه‌ای اسدی، تکنولوژی و بهره‌گیری از آن است. از نظر اسدی جهان امروز مبتنی بر سه فراگرد شکل گرفته است: (۱) علم، (۲) تکنولوژی و (۳) توسعه. علم روابط بین پدیده‌ها را کشف می‌کند، تکنولوژی آن روابط را دگرگون می‌سازد و این دگرگونی روابط توسعه را شکل می‌دهد. او دلیل تقسیم کشورها به دو قطب پیشرفته و واپس‌مانده را جهش علم و تکنولوژی در اروپای قرن هجدهم می‌داند که در قرن‌های نوزده و بیست به صورت سلطه بر کشورهای آسیا و آفریقا بروز کرد (اسدی، ۱۳۶۹: ۶، از: مروری بر موانع توسعه در کشورهای در حال توسعه).

او در اواخر دهه ۶۰ هشدار می‌دهد که علاوه بر اهمیت توسعه همه‌جانبه اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، توسعه بدون علم و تکنولوژی امکان‌پذیر نیست. او پیش از توسعه فرهنگی و حل بی‌سوادگی، تکنولوژی، علم، سازمان‌دهی و مدیریت را محور اصلی توسعه می‌داند (اسدی، ۱۳۶۷: ۶). او معتقد است تکنولوژی به بشر این امکان را می‌دهد که با تقویت توان جسمی و

فکری‌اش، از مرحله تکامل زیستی به مرحله تکامل فکری و عقلی برسد. رابطه میان تکنولوژی و تحول اجتماعی و توسعه رابطه‌ای مستقیم است. همچنین معیار توسعه‌یافتگی یک کشور نیز از منظر اسدی میزان استفاده از تکنولوژی است (اسدی، ۱۳۶۹: ۱۱، از: تکنولوژی و توسعه اقتصادی و اجتماعی).

به نظر او تکنولوژی‌های ارتباطی فرصت‌هایی را فراهم آورده است؛ اینکه «ضرورتی ندارد چرخ را از نو اختراع شود» و می‌توان از انباشت دانش جهانی بهره گرفت، مطالعه تجربه کشورهای صنعتی خطاها را کاهش می‌دهد، از تکنولوژی‌های موجود در بازار جهانی می‌توان استفاده کرد، می‌توان از جهش‌های علمی کشورهای پیشرفته بدون طی مراحل قبلی استفاده برد (اسدی، ۱۳۶۹: ۱۲، از: تکنولوژی و توسعه اقتصادی و اجتماعی).

اسدی میان تکنولوژی و توسعه رابطه‌ای هم‌افزایی متصور است و همانگونه که توسعه را ناشی از تکنولوژی می‌داند، تکنولوژی را نیز حاصل پژوهش و توسعه می‌داند (اسدی، ۱۳۶۹: ۸، از: مروری بر موانع توسعه در کشورهای درحال توسعه). او چهار عامل اساسی برای دستیابی به توسعه تکنولوژی را چنین برمی‌شمارد: ۱. سازماندهی، ۲. اطلاعات، ۳. نیروی انسانی و ۴. عامل فنی (ابزار). عامل سازمان‌دهی در جهت مدیریت و تربیت مدیرانی دانا و لایق است. عامل اطلاعات برای فعالیت علمی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و اتخاذ تصمیم است. نیروی انسانی دارای مهارت فنی نیز در جهت پیوند نظام آموزشی و تولید مورد اهمیت است (اسدی، ۱۳۶۷: ۶).

او عدم درک اهمیت علم و تکنولوژی را ضعف ایران عصر خود می‌داند (اسدی، ۱۳۶۹: ۶، از: استراتژی توسعه تکنولوژی، چرا و چگونه؟) همچنین تأکید ویژه‌ای بر تکنولوژیک به‌عنوان موتور محرکه توسعه دارد و معتقد است «دلیل عدم توفیق ما در گذشته این بود که تکنولوژی را به‌عنوان یک عامل استراتژیک در توسعه اقتصادی مورد توجه و تأکید قرار ندادیم» (اسدی، ۱۳۶۷: ۶). در این نگاه مهم‌ترین مانع و تنگنا بر سر سیاست‌گذاری در زمینه تکنولوژی، تنگنای مفهومی در مفهوم استراتژی و تفکر استراتژیک است. مانع و تنگنای دیگر مفهوم اطلاعات است که هر نوع برنامه‌ریزی منوط به وجود و پردازش آن از وضعیت موجود است و بدون آن هیچ برنامه‌ریزی مقدور نخواهد بود (اسدی، ۱۳۶۹: ۶-۱۰، از: استراتژی توسعه تکنولوژی، چرا و چگونه؟).

او معتقد است این موانع و تنگناها عامل ایجاد معضلاتی است، مواردی از قبیل عدم برنامه‌ریزی‌های بلندمدت و اولویت‌سنجی و تصمیمات سطوح بالا توسط مسئولین، وابستگی به کشورهای صاحب تکنولوژی و رقابت آن‌ها برای بازارهای کشورهای درحال توسعه، بحران‌های

مالی و انرژی در سطح جهان، عدم وجود ضوابط لازم برای گسترش تکنولوژی‌های ارتباطی، کمبود مراکز پژوهش و ارزشیابی، کاربردی نبودن دانش موجود و عدم هماهنگی‌های سیاست‌گذاری، عدم تعهد به مسائل تکنولوژی، تنگناهای ناشی از برخورد مردم با تکنولوژی‌های جدید و مسائل مربوط به نبود مهارت و تخصص استفاده از تکنولوژی (اسدی، ۱۳۶۹: ۱۲، از: تکنولوژی و توسعه اقتصادی و اجتماعی).

او مهم‌ترین اقدام کشورهای در حال توسعه را برای برون‌رفت از شرایط فعلی، توسعه تکنولوژی و آن را کلید اصلی توسعه می‌داند (اسدی، ۱۳۶۹: ۱۱، از: تکنولوژی و توسعه اقتصادی و اجتماعی). اسدی برنامه‌ریزی در زمینه تکنولوژی را در سه حوزه تکنولوژی‌های وارداتی، بومی و صادراتی تقسیم‌بندی می‌کند که باید با ارزشیابی نیازها و بازنگری و کنترل مورد بررسی قرار گیرند (اسدی، ۱۳۶۹: ۱۲، از: تکنولوژی و توسعه اقتصادی و اجتماعی). او برنامه‌ریزی استراتژیک تکنولوژی را تصویر جامعی از آینده تکنولوژی کشور برای دستگاه‌های سیاست‌گذاری و برنامه‌ریز می‌داند و از آن برای سرمایه‌گذاری در زمینه‌های تکنولوژی، پیش‌نیازهای فنی، چارچوب ادغام تکنولوژی با برنامه‌های اقتصادی-اجتماعی، تعیین انواع و میزان تکنولوژی‌های وارداتی خارجی و تولید داخل و تعیین میزان توسعه بخش‌های مختلف تکنولوژی و مراحل آن‌ها استفاده می‌کند و همچنین ابزارهای مستقیمی چون بازار تکنولوژی داخل و ابزارهای غیرمستقیمی مثل محدودیت واردات و کنترل قیمت و همچنین نهادهایی چون وزارتخانه‌های علوم، دارایی و بانک مرکزی را در تحقق برنامه‌ریزی استراتژیک تکنولوژی مؤثر می‌شمارد. اسدی مسئله درون‌زا کردن تکنولوژی در ایران را از مسیر تمرکز بر حوزه‌هایی خاص، بنا به ظرفیت‌های طبیعی، فنی و موقعیت جغرافیایی، زمان و محدودیت‌های بازار و منابع ممکن می‌داند و در غیراین‌صورت اساساً موفقیتی را در هیچ حوزه‌ای از تکنولوژی متصور نیست. به‌علاوه تأکید می‌کند این برنامه تا زمانی که در مجلس تصویب نشده و به‌صورت قانون، لازم‌الاجرا نباشد کارایی ندارد. اسدی معتقد است ایران نیازمند سیاست‌های جامع‌تر و قوی‌تری است که البته به دنبال خود مقاومت‌های بیشتری ایجاد می‌کند و باید در برابر این قبیل مسائل ایستادگی کرد (اسدی، ۱۳۶۹: ۶-۱۰، از: استراتژی توسعه تکنولوژی، چرا و چگونه؟). این‌گونه به نظر می‌رسد او از ایده یک قوه اجرایی قدرتمند و مقتدر طرفداری می‌کند.

توسعه و تحول ارتباطات

به نظر اسدی پیشرفت‌های تکنولوژیک در امر ارتباطات موجب تکامل تکنولوژی‌های قدیمی شده است. دسترسی نویسندگان و پژوهشگران به حجم بالای اطلاعات برای نویسندگان در امر تولید مطبوعات و کتاب نقش داشته است. او معتقد است این تکنولوژی‌ها دسترسی به اطلاعات را ساده و سرعت آن را چند برابر کرده و همچنین اعتبار اطلاعات جمع‌آوری شده را نیز افزایش داده است و نهایتاً این توسعه تکنولوژی به دلیل افزایش حجم اطلاعات موجب تحولات بنیادین در طرز تفکر و تحولات ذهنی می‌شود. اسدی توجه ویژه به این تحولات و یادگیری کار با کامپیوتر را لازمه پیشرفت برای کشورهای جهان‌سومی می‌داند. او علیرغم توجه به تحولات جدید در صنعت چاپ و الکترونیک شدن آن، معتقد است تکنولوژی‌ها الکترونیک جدید جای چاپ را خواهد گرفت و در این مورد تله‌کنفرانس را مثال می‌زند. او مهم‌ترین ویژگی انقلاب ارتباطی را این می‌داند که تکنولوژی‌های موجود به راحتی امکان تبدیل علائم، حروف و اعداد را به همدیگر ایجاد می‌کند که باعث تولید آثار گسترده‌ای می‌شود. اسدی با اشاره به تکنولوژی‌های کلامی آن را باعث برطرف شدن مانع اصلی ارتباطات بین‌المللی یعنی تفاوت زبان می‌داند. در مورد تکنولوژی‌های ماهواره‌ای نیز آن‌ها را در انقلاب ارتباطی-اطلاعاتی و تحول در هواشناسی، کیهان‌شناسی، کشاورزی و ... و همچنین در اطلاع‌رسانی خبری در افزایش سرعت انتقال اخبار و ایجاد شبکه جهانی عاملی اساسی می‌داند (اسدی، ۱۳۶۶: ۱۰-۱۲).

اسدی در زمان زیست خود معتقد بود پس از سال ۲۰۰۰ و با توسعه تکنولوژی‌های ارتباطی جهان وارد مرحله‌ای می‌شود که «کره زمین در تور مشبکی از ارتباطات از راه دور» پوشیده شده و حاصل این انقلاب یکپارچه شدن تمام کره زمین را در یک نظام اطلاعاتی واحد جدید است و «آغاز تمدن سیاره‌ای و جهانی» خواهد بود (اسدی، ۱۳۶۶: ۱۵).

توسعه و فرهنگ

اسدی در کتابش به نام «نقش رسانه‌ها در پشتیبانی از توسعه فرهنگی» با تأکید بر زایش و آفرینش فرهنگی، توسعه فرهنگی را آفرینندگی و نوزایی بر پایه مشارکت‌های اجتماعی افراد می‌داند (اسدی، ۱۳۵۵: ۱۰) همچنین او در سخنرانی «جهات سه‌گانه توسعه فرهنگی» که در همایش شیراز در سال ۱۳۵۶، توسعه فرهنگی را این‌چنین تعریف می‌کند: «فراهم آوردن امکانات آفرینندگی فرهنگی و هنری بر پایه مشارکت تمامی افراد جامعه». او این‌گونه توسعه را

دارای ۳ مقدمه کلی می‌داند. اول توسعه اقتصادی که پیش‌نیاز توسعه فرهنگی است، دوم تعمیم مفهوم فرهنگ و هنر و گسترش مشارکت خلاقانه افراد مختلف در فرهنگ‌سازی و سوم سیاست فرهنگی به معنی برنامه‌ریزی دولت و فراهم کردن امکانات توسعه فرهنگی است (اسدی، ۱۳۵۶: ۱۹۹).

به بیان اسدی فرهنگ جوامع امروزی به‌شدت تحت تأثیر پیشرفت تکنولوژی و ارتباطات است. او زاینده‌گی و آفرینندگی نظام فرهنگی را پدیده‌ای پیوسته و درهم‌تنیده از عوامل سخت‌افزاری، تکنولوژی پیام‌رسانی و نرم‌افزاری پیام و نقش انسان به‌عنوان موضوع فرهنگ‌سازی پیام در بستر جامعه می‌داند که دارای رابطه دیالکتیکی و دورانی هستند و همدیگر را خلق می‌کند. تکنولوژی تسهیلگر پیام است و خود تجلی آفرینندگی و خلاقیت در جامعه (اسدی، ۱۳۶۹: ۶، از: تبادل نابرابری در فرهنگ کنونی جهان).

اسدی توسعه تکنولوژی‌های ارتباطی را تغییردهنده در مفاهیمی چون مکان، زمان و حتی جهان‌بینی می‌داند، او می‌گوید: «تحول نظام ارتباطات و اطلاعات در قرن بیستم تمام مفاهیم مربوط به شناخت و تفکر انسان، مانند مفهوم زمان، مکان، علیت و ... را دگرگون کرده، به دنبال آن گستره تازه‌ای از جهان‌بینی‌های بشری به ارمغان آورده است» و با پیشرفت تکنولوژی‌های ارتباطی و اطلاعاتی انسان توانسته است از تنگناهای مکان و زمان عبور کند و در ادامه این عبور تصورات و برداشت‌های انسان نیز گسترش یافته است (اسدی، ۱۳۶۶: ۹).

او با تأیید و تفسیری از ایده دهکده جهانی مارشال مک‌لوهان بیان می‌کند که فرهنگی که تا پیش از انقلاب ارتباطات محدود به زمان و مکان بوده است اکنون با سرعت نور در قالب پیام از نقطه‌ای به نقطه دیگر منتقل می‌شود و در حال دگرگون شدن است. این دهکده در عین وحدت و کوچکی، متکثر و تشکیل شده از عناصر مختلفی است که «در عین نزدیک شدن از هم دور و در عین هم‌شکل شد، ناهمگون می‌شوند»، این یعنی جهان آینده با مشارکت پاره‌فرهنگ‌ها و نه یک فرهنگ مسلط شکل می‌گیرد. اسدی فرهنگ را موجودی پویا می‌داند که همیشه در حال فروپاشی یا بازسازی است ولی در هر حال به دلیل ریشه‌دار بودن، هویت خود را حفظ می‌کند و زنده می‌ماند. آنچه باعث مرگ یک فرهنگ می‌شود انقطاع آن از محیط است (اسدی، ۱۳۶۹: ۹، از: انقلاب ارتباطات و آینده فرهنگی جهان). اسدی در عصر شکوفایی رادیو و تلویزیون می‌زیسته و بیش از هر چیز، این رسانه‌های جمعی را در آفرینش فرهنگ مؤثر می‌داند. او معتقد است «از میان رسانه‌های گروهی رادیو و تلویزیون در جریان توسعه فرهنگی

نقش مهم‌تری دارد زیرا از یک‌طرف دارای پوشش وسیع و سرعت انتقال پیام و از طرف دیگر به خاطر استفاده از حواس بینایی و شنوایی در آن واحد به سبب سهولت استفاده تأثیر پیام را بیشتر می‌کنند» و «دریافت آن نیاز چندانی به سواد ندارد» (اسدی، ۱۳۷۰: ۷).

اسدی فرهنگ ایران را از دیرباز زاینده، مستعد و تأثیرگذار بر فرهنگ جهانی می‌داند که البته در دوران جدید این زایایی دیگر وجود ندارد و «در نتیجه نظام فرهنگی غرب که به مرحله زایش و آفرینش رسیده است در این دیالوگ فرهنگی» بیشتر به ما پیام می‌دهد تا پیام بگیرد. علت این امر هم عبور غرب از مرحله مقدماتی زایش و رسیدن به مرحله جامعه اطلاعاتی است و در آن فرهنگ‌سازی و پیام‌سازی به نهایت توان تولید و بهره‌وری رسیده است. این جهش مغزی و اطلاعاتی که ناشی از انقلاب اطلاعاتی است در کشورهای در حال توسعه شکل نگرفته است (اسدی، ۱۳۶۹: ۷، از: تبادل نابرابری در فرهنگ کنونی جهان).

اسدی فرهنگ جامعه ایرانی را در دودسته تقسیم‌بندی می‌کند، اول فرهنگ سنتی یا کلاسیک که فرهنگی است متجانس و ارزش‌هایش از سیستم آموزش و پرورش تغذیه می‌شود و تمام آنچه ما از پیش می‌دانیم و از سنت دریافت می‌کنیم در شبکه‌ای منظم و طبقه‌بندی شده قرار دارد. نوع دوم که با گسترش رسانه‌های جمعی ایجاد شده است فرهنگ توده مردم است که فرهنگی «درهم‌وبرهم» یا «موزاییکی» بوده و تشکیل شده از مفاهیم غیر مرتبط و نامتجانس و در جهت همسان کردن رفتار و ایجاد «ذهن توده‌وار» تافلری است. در آن نه رهنمونی وجود دارد و نه شبکه نظم دهنده‌ای؛ اجزاء آن ناشی از شناخت‌های پاره‌پاره و کوچک است. فرهنگ‌سازان این نوع فرهنگ در رسانه‌های جمعی هستند و فرقی با مردم عادی، استعداد آفرینش و فکر فعال و قدرت نوآوری است. آثار آفرینندگان هنری و ادبی از فرهنگ توده برای ایجاد خلاقیت بهره می‌برند و پس از نقد توسط روشنفکران و صاحب‌نظران در حافظه جمعی جامعه ثبت می‌شود که شامل کتابخانه‌ها، موزه‌ها، بایگانی‌ها و مراکز اطلاعات فرهنگی و هنری هستند. از طرف دیگر صاحب‌نظران که وظیفه‌شان بنا کردن آینده به وسیله داده‌ها و اطلاعات هنری، علمی، فنی یا سیاسی است نیز در برخورد با رسانه‌ها (رادیو و تلویزیون) قرار می‌گیرند و نهایتاً مدار بسته‌ای ایجاد می‌گردد که پیام رسانه‌ها به شکل صنعتی شده‌ای بر ذهن آفرینندگان اثر می‌گذارد و فرهنگ موزاییکی را باز تولید می‌کند (اسدی، ۱۳۵۶: ۱۹۹-۲۰۰ و ۱۳۷۰: ۵-۶).

اسدی بر این اعتقاد است که رسانه‌ها در آینده هرچه غیرهمگانی‌تر خواهند شد. به نظر او در جهان فراصنعتی با شتاب گرفتن گردش اطلاعات به دلیل تنوع و غیرهمگانی شدن رسانه‌ها

دوام فرهنگ موزاییکی که شامل تصاویر کوتاه است، حجم و تنوع آن‌ها افزایش می‌یابد (اسدی، ۱۳۶۶: ۹). علیرغم اینکه او افکار عمومی را حاصل دنیا جدید و سه پدیده دموکراسی، فردگرایی و ارتباطات می‌داند و وجود ارتباطات متقابل را لازمه آن می‌پندارد (اسدی، ۱۳۵۹: ۶-۷) اما آینده رسانه‌ها را در متکثر شدن و شخصی شدن ترسیم می‌کند. اسدی تلویزیون‌های کابلی را نمودی از این نوع رسانه‌های می‌داند، به نظر او این روند مخاطبان را در شکل‌دهی پیام شریک می‌کند و برنامه‌های رسانه‌ها را متناسب با ذوق و سلیقه، حرفه و تخصص مخاطبان خواهد کرد. این تغییر باعث از بین رفتن هنجارهای مشابه و طرز تفکر یکسان شده و تنویر افکار عمومی می‌شود (اسدی، ۱۳۶۶: ۱۰ و ۱۳۶۹: ۱۱، از: انقلاب ارتباطات و آینده فرهنگی جهان).

اسدی سیاست درست فرهنگی را ایجاد فضای مناسب برای دیالوگ بین فرهنگ‌ها می‌داند. در جهان پاره‌فرهنگ‌ها، فرهنگ‌های ضعیف‌تر در کوتاه‌مدت به دلیل عدم زاینده‌گی مصرف‌کننده می‌شوند ولی در درازمدت زاینده خواهند بود و به فعلیت رسیدن توان بالقوه آن، فرهنگ بازسازی خواهد شد. فرهنگ در مبادله، ارتباطات و انتقال است که زنده و زاینده می‌ماند و این مبادلات تجربه جدید جهانی را شکل می‌دهند. فرهنگ چون یک سیستم دارای دو گرایش حفظ و انتقال است، حاصل اولی هویت و حاصل دومی پیشرفت است و باید این دو با یکدیگر در تعادل باشند (اسدی، ۱۳۶۹: ۱۰-۱۱، از: انقلاب ارتباطات و آینده فرهنگی جهان). اسدی با تقسیم سیاست‌های فرهنگی در نظام‌های مختلف به ۵ دسته^۱، سیاست فرهنگی عوام‌فریبانه، ۲. سیاست فرهنگی جزمی، ۳. سیاست فرهنگی طبقاتی، ۴. سیاست فرهنگ‌گرا و ۵. سیاست پویایی اجتماعی، آخرین این‌ها را بهترین و مناسب‌ترین سیاست برای توسعه فرهنگی می‌داند چراکه علاوه بر فرهنگ‌سازی و بازنمایی تمام و کمال جامعه در رسانه‌های جمعی دارای پویایی و سرعت در آفرینش فرهنگی است (اسدی، ۱۳۷۰: ۷).

اسدی سینما (اسدی، ۱۳۵۲) و وسایل ارتباط جمعی دوران خویش را نقد می‌کند و مشکل اساسی آن‌ها را عدم شناخت درست مخاطب و نیازهای حال و آینده آن‌ها و همچنین عدم پیشرو بودن در فرهنگ‌سازی و آماده‌سازی جامعه و حتی انفعال و واکنشی بودن آن‌ها می‌داند. این مسئله ریشه در ناآشنایی با دانش ارتباطات و فقیر بودن این دانش در ایران دارد. او معتقد است نظام ارتباطی ایران نتوانسته است به‌صورت ارگانیک خود را با حرکت‌ها و دگرگونی‌های جامعه امروز ایران و تحولات فرهنگی آن منطبق کند و این دلیل اصلی عدم تأثیرگذاری بر مخاطبان است (اسدی، ۱۳۶۹: ۱۵-۱۶، در میزگرد ارتباطات و اطلاعات).

از نظر اسدی وسایل ارتباط جمعی در تجهیز، آموزش، بسیج کردن نیروی انسانی، ترویج آداب و رسوم تازه و ایجاد روابط نوین انسانی خصوصاً در امر توسعه اقتصادی و مواردی چون کشاورزی، صنعت آموزش و مبارزه با بی‌سوادی بسیار مؤثر هستند (اسدی، ۱۳۴۸: ۳۸). او در همایش شیراز (۱۳۵۶) با شرح دو پژوهشش، یکی در استان یزد و یکی پژوهشی با پنج‌هزار نفر، بیان می‌کند که اثرات رسانه‌ها در جهت دگرگونی ارزش‌های جامعه سنتی ایران چگونه است. او با استناد به پژوهش‌های دانیل لرنر در ۱۹۵۱ و فردریک فرای در ۱۹۶۳، رسانه‌ها را عامل نوسازی فکری و تحول فرهنگی و اجتماعی می‌داند و معتقد است در ایران ارتباط خیلی نزدیکی بین استفاده از رسانه‌ها و سواد وجود دارد و رسانه‌ها بی‌تردید می‌توانند از نظر تغذیه فرهنگی و نوسازی فکری بسیار مؤثر باشند (اسدی، ۱۳۵۶: ۲۵۵-۲۵۸). اسدی با بررسی تأثیرات تلویزیون بر خانواده‌های ایرانی توضیحاتی را در مورد وضعیت تحکیم یا تضعیف روابط خانوادگی، اثرگذاری آن بر کودکان، پرخاشگری، خشونت و ... ارائه می‌کند و نهایتاً معتقد است تلویزیون با ترویج مصرف‌گرایی و مد بر اقتصاد مؤثر بوده در گسترش دانش و آگاهی و ارتقای سطح فرهنگ در جهت توسعه نقش دارد (اسدی، ۱۳۵۴).

البته او باور دارد که اکنون در مواجهه با دو موج توسعه و صنعتی شدن از یک‌سو و موج اطلاعاتی و ارتباطی شدن از سوی دیگر این امر مشکل شده است اما او، تحول‌خواهانه بر مبادله دوسویه فرهنگی برای ایجاد زمینه جهش صنعتی و تکنولوژیک و جهش اطلاعاتی و خلاقیت در فرهنگ تأکید دارد و معتقد است باید چفت‌وبست‌هایی را که به ذهن خود تحمیل کرده‌ایم و نظام بسته آموزش و پرورش و یادگیری‌های غلط که بجای روش‌های خلاق ذهن‌ها را کلیشه‌ای تحویل جامعه می‌دهد کنار بگذاریم (اسدی، ۱۳۶۹: ۸، از: تبادل نابرابری در فرهنگ کنونی جهان).

عقب‌ماندگی

اسدی در توضیح علل عقب‌ماندگی جوامع جهان‌سومی و تفاوت‌های بنیادین جوامع توسعه‌یافته و درحال توسعه آراء جالب‌توجهی دارد. از منظر او تفاوت اساسی میان جامعه توسعه‌یافته و درحال توسعه این است که اولی جامعه دانش‌اندوز است و توان خلق و ابداع دارد و دومی دچار فقر دانش و تکنولوژی و فاقد توانایی خلق و ابداع. کشورهای جهان سوم نه تنها از پیشرفت‌های تکنولوژی بهره‌مند نشده‌اند بلکه، این امر باعث ایجاد شکافی به نام شکاف شمال و جنوب شده است که با پیشرفت‌ها کشورهای توسعه‌یافته بیشتر می‌شود که فاجعه‌آمیز است. اسدی یکی از اساسی‌ترین عوامل عقب‌ماندگی در کشورهای درحال توسعه را ایجاد چرخه باطل فقر و جهل

می‌داند. فقر، جهل می‌آفریند و جهل دوباره فقر را بازتولید می‌کند. او به این چرخه انفجار جمعیتی عصر حاضر را نیز اضافه می‌کند که خود دلیل دیگری برای فقر است. او معتقد است که این دور باطل تنها از طریق برنامه‌ریزی همه‌جانبه و بسیج عمومی جامعه در جهت‌گیری «خودسازی و اشاعه روح علمی و ایجاد نهادهای تسهیل‌کننده» که تحولی در تمام سطوح و نهادها ایجاد کند شکسته می‌شود. از این طریق تولید افزایش‌یافته، منابع طبیعی بهینه مصرف‌شده و توسعه سازماندهی و مدیریت می‌شود. تکنولوژی مهم‌ترین ابزار برای رسیدن به این اهداف است و باید تکنولوژی درون‌زا شود (اسدی، ۱۳۶۹: ۷-۸، از: مروری بر موانع توسعه در کشورهای درحال توسعه).

یکی دیگر از عوامل عقب‌ماندگی در نگاه اسدی، نرخ رشد جمعیتی بالا در کشورهای درحال توسعه است (اسدی، ۱۳۶۹: ۱۱، از: تکنولوژی و توسعه اقتصادی و اجتماعی). ساختار جمعیتی این کشورها دارای اکثریت جمعیت فقیر، اقلیت ثروتمند و طبقه متوسط معدود و بی‌تأثیر بر سیاست است که چند شهر بزرگ دارند و بیشتر جمعیت در روستاها زندگی می‌کنند و به کشاورزی یا صنعتی که در مراحل ابتدایی است اشتغال دارند و قدرت سیاسی در دست نخبگان سنتی یا نظامیان است. در این جوامع علاوه بر ساختار سنتی، نظام ارزش‌ها، باورها و نگرش‌ها نیز سنتی است. تقدیرگرایی، پذیرش وضع موجود، عادت به شیوه زندگی فعلی به‌عنوان بهترین شیوه زندگی، وحشت از هر چیز ناآشنا و جدید و طرد آن و تلاش برای انتقال این سنت‌ها به نسل بعدی از جمله ویژگی‌های این جوامع است (اسدی، ۱۳۶۹: ۵۷، از: جامعه‌شناسی توسعه).

البته او موانع دیگری را نیز برای توسعه در جوامع عقب‌مانده موردتوجه دارد که عبارت‌اند از: ۱. تنگناهای فرهنگی به‌ویژه بی‌سوادی و بهره‌مند نبودن از آموزش ۲. فقدان نظام‌های اطلاعاتی و نداشتن نظامی برای جمع‌آوری، انباشت و پردازش اطلاعات ۳. عدم دسترسی به تکنولوژی و فرهنگ و مهارت‌های لازم برای استفاده از آن ۳. نامناسب بودن نهادها یا کهنه و سنتی بودن آن‌ها (اسدی، ۱۳۶۹: ۸-۹، از: مروری بر موانع توسعه در کشورهای درحال توسعه) ۴. علیرغم وجود منابع اولیه غنی، عدم حفظ و بهره‌برداری از منابع طبیعی به‌صورت مؤثر ۵. عدم تربیت نیروی انسانی ماهر و کاردان (اسدی، ۱۳۶۹: ۱۱، از: تکنولوژی و توسعه اقتصادی و اجتماعی).

همچنین اسدی در سال‌ها دهه ۶۰ در میزگردی به بررسی علل عقب‌ماندگی روزنامه‌نگاری و مطبوعات ایران می‌پردازد و ریشه مشکلات و «کلاف سردرگم» مطبوعات ایران که خود نمودی از عقب‌ماندگی‌های رسانه‌ها است را در مسئله سواد و محدود بودن مخاطبین باسواد،

فرهنگ شفاهی موجود در جامعه و عدم تمایل به مطالعه و فراگیری آن، مسئله پراکندگی و گسترده‌گی کشور و کندی سرعت توزیع روزنامه‌ها در اقصی نقاط آن، عدم وجود زمینه رشد سیاسی و فرهنگی و محدودیت فضای سیاسی، عدم وجود آزادی بیان عقاید و خودسانسوری، عدم حمایت شغلی از روزنامه‌نگاران، جدایی بین ملت و دولت، غیرمستمر و مقطعی بودن فعالیت روزنامه‌ها و غالباً فعالیت وابسته به حزب و غیرمستقل می‌داند (اسدی، ۱۳۶۹: ۴-۱۷)، در میزگرد روزنامه و روزنامه‌نگاری در ایران).

نتیجه‌گیری

براساس یافته‌های این تحقیق می‌توان آراء توسعه‌ای علی اسدی را منظومه‌ای منسجم و دارای بندوبست‌ها تئوریک دانست. او در زمانه خود با بهره‌گیری از پژوهش‌های عمیق و وسیع اجتماعی و همچنین مطالعات مختلف در زمینه افکار عمومی ایرانیان نظریاتی بسیار نزدیک به واقعیت جامعه و عینیت موجود ساخته و پرداخته کرده است. اسدی که در زمینه‌های ارتباطات و علوم اجتماعی صاحب‌نظر است توسعه ایران را امری همه‌جانبه و بر مبنای برنامه‌ریزی استراتژیکی می‌داند که با پیشرفت‌های فناوری همساز باشد. تکنولوژی در زمینه‌های مختلف از جمله ارتباطات و رسانه، محور اصلی و شاه‌کلید حل مسائل او است و از عدم درک این مسئله در میان تصمیم‌گیران هم‌عصرش نالان است. علیرغم اینکه به زوایای مختلف آسیب‌ها توسعه در جوامع سنتی و معضلات دوران گذاری واقف است، اما بر اجرا مقتدرانه برنامه‌ای برای بازسازی و پیشرفت تأکید دارد. او برخی روندهای خطی توسعه را می‌پذیرد ولی معتقد است هر کشور نسخه خود را بر مبنای مقتضیات سنتی، اقلیمی، بوم‌شناختی و فرهنگی نیاز دارد و ایران نیز باید همین مسیر را طی کند.

توسعه فرهنگی ایران که عمق قابل‌توجهی در مطالعات او دارد، امری پیچیده و در میان جامعه سنتی و توده‌وار قرار دارد. او بر برخورد و دیالوگ بین فرهنگ‌ها تأکید دارد و معتقد است تمدن، فرهنگ و سنت ایران این قابلیت را دارد که در این برخورد سربلند، زاینده و آفرینش‌گر باشد. او وجود ظرفیت این برخورد فرهنگی را از ملزومات سیاست‌گذاری در توسعه فرهنگی می‌داند.

باوجود برخی انتقادات که به نگرش‌های سخت‌افزاری، تکنولوژی محور و خطی در توسعه وارد است، اما نظریات اسدی سازگار با شرایط ایران دهه‌های ۵۰ و ۶۰ است و به نظر می‌رسد او در زمانه خود نسخه مشخصی برای توسعه ایران ارائه کرده است.

منابع

- اسدی، علی (۱۳۴۸). وسایل ارتباط جمعی در راه توسعه اقتصاد ملی؛ نقش آموزشی رادیو، تلویزیون، فیلم و مطبوعات. **ماهنامه مکتب مام**. تهران. شماره ۸. ۲۰-۲۱ و ۳۸-۴۲.
- اسدی، علی (۱۳۵۲). درآمدی بر جامعه‌شناسی سینما در ایران. **فرهنگ و زندگی**. شماره ۱۳ و ۱۴. (زمستان ۱۳۵۲ و بهار ۱۳۵۳). ۶-۱۵.
- اسدی، علی (۱۳۵۴). تلویزیون و خانواده در ایران. **فرهنگ و زندگی**. شماره ۶. پاییز. ۵۸-۶۳.
- اسدی، علی (۱۳۵۶). پژوهش آماری در زمینه رسانه‌ها (سخنرانی در همایش شیراز). **پیرامون ساخت و نقش رسانه‌ها**. ویرایش جمشید اکرمی. تهران. انتشارات پژوهشکده علوم ارتباطی و توسعه ایران با همکاری انتشارات سروش، ۲۵۵-۲۵۸.
- اسدی، علی (۱۳۵۶). جهات سه‌گانه توسعه فرهنگی (سخنرانی در همایش شیراز). **پیرامون ساخت و نقش رسانه‌ها**. ویرایش جمشید اکرمی. تهران. انتشارات پژوهشکده علوم ارتباطی و توسعه ایران با همکاری انتشارات سروش، ۱۹۹-۲۰۱.
- اسدی، علی (۱۳۵۹). افکار عمومی چیست؟ **نامه پژوهشکده**. سال چهارم. شماره ۱ و ۲. بهار و تابستان. ۵-۱۲.
- اسدی، علی (۱۳۶۶). راهی برای گریز از خود بیگانگی. فصلنامه آدینه. شماره ۱۵. مرداد. ۱۸-۱۹.
- اسدی، علی (۱۳۶۷). علم، تکنولوژی و تحقیقات، موتور محرکه توسعه (مصاحبه). **ماهنامه سروش**، سال ۱۰، شماره ۴۴۸، ۵-۷.
- اسدی، علی (۱۳۶۹). استراتژی توسعه تکنولوژی، چرا و چگونه؟ **تدبیر**. سال اول. شماره ۱. اسفند. ۶-۱۰.
- اسدی، علی (۱۳۶۹). تکنولوژی و توسعه اقتصادی و اجتماعی، **فصلنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی**، سال ۵، شماره ۲، ۱۱-۱۲.
- اسدی، علی (۱۳۶۹). جامعه‌شناسی توسعه. فصلنامه **مدیریت دولتی** (دوره جدید) شماره ۸، بهار، ۵۱-۶۸.
- اسدی، علی (۱۳۶۹). مروری بر موانع توسعه در کشورهای درحال توسعه؛ «توسعه» بر جاده «تکنولوژی» می‌تازد ... **فصلنامه تدبیر**، سال اول، شماره ۳، مرداد، ۶-۹ و ۵۰.
- اسدی، علی (۱۳۷۰). رسانه‌ها و توسعه فرهنگی. **فصلنامه رسانه**، سال دوم، شماره ۱، بهار. ۴-۷.
- اسدی، علی و دیگران (۱۳۶۹). ارتباطات و اطلاعات (میزگرد). **فصلنامه رسانه**. شماره ۲. تهران. تابستان. ۱۴-۲۲.

- اسدی، علی و دیگران (۱۳۶۹). تبادل نابرابری در فرهنگ کنونی جهان (قسمت دوم) (میزگرد). **نامه فرهنگ**. سال یکم. شماره ۲. زمستان. ۵-۱۶.
- اسدی، علی و دیگران (۱۳۶۹). روزنامه و روزنامه‌نگاری در ایران، دیروز، امروز، فردا (میزگرد). **فصلنامه رسانه**. سال یکم. شماره ۱. بهار. ۴-۱۷.
- اسدی، علی. خوارزمی، شهین‌دخت. رئیس‌دانا، فریبرز (۱۳۶۶). انقلاب ارتباطات، گسترش حواس، شتاب تاریخ، **فصلنامه آدینه**، شماره ۱۲، ۸-۱۵.
- اسدی، علی. ساروخانی، باقر. حکمی، نسرین (۱۳۶۹). انقلاب ارتباطات و آینده فرهنگی جهان (قسمت اول) (میزگرد). **نامه فرهنگ**. سال یکم. شماره ۱. پاییز. ۶-۱۷.
- اسدی، علی. مهرداد، هرمز (۱۳۵۵). **نقش رسانه‌ها در پشتیبانی توسعه فرهنگی**. پژوهشکده علوم ارتباطی و توسعه ایران، تهران. ۷-۱۳.
- ح.ق (۱۳۷۰). آثار ماندگام، مروری بر میراث علمی مرحوم دکتر علی اسدی. **فصلنامه رسانه**. تهران. پاییز. ۸۸-۸۹.
- <http://www.shara.ir/view/32575/%D8%A7%D8%B3%D8%A7%D8%AA%DB%8C%D8%AF-%D8%A7%D8%B1%D8%AA%D8%A8%D8%A7%D8%B7%D8%A7%D8%AA%-%D8%AF%DA%A9%D8%AA%D8%B1-%D8%B9%D9%84%DB%8C-%D8%A7%D8%B3%D8%AF%DB%8C->